

بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

یحیی کامیابی^۱احسان بوژمهرانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۲۸

چکیده:

در ادبیات حسابداری و مالی از جنبه عدم تقارن اطلاعاتی، افشای اطلاعات اختیاری باعث افزایش کارایی اقتصادی می‌شود و کارایی اقتصادی مزبور، تاثیر نهایی بر شرایط مالی خواهد داشت. بنابراین، انتظار می‌رود که مدیران به طور داوطلبانه مایل به افشای اطلاعات باشند و به طور طبیعی در قبال دریافت منافع حاصل، متحمل هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم ناشی از افشا گردند. از آنجائیکه کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم‌های مهم راهبری شرکتی است، لذا هدف پژوهش حاضر این است تا رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی (استقلال، تخصص مالی، تجربه، مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی و اندازه (تعداد اعضای) کمیته حسابرسی) و افشای اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌را مورد بررسی قرار دهد. در همین راستا، ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ انتخاب و پس از گردآوری اطلاعات مربوط، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار Eviews مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی (استقلال، تخصص مالی، تجربه و مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی و همچنین اندازه (تعداد اعضای) کمیته حسابرسی) با افشای اختیاری توسط شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

کلمات کلیدی: ویژگی‌های کمیته حسابرسی، افشای اختیاری، بورس اوراق بهادار تهران

۱- استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
y.kamyabi@umz.ac.ir : ۹۲۲۲۵۲۱۱۹۰

۲- کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
ehsanbouzhmehrani@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از ابزارهای مهم بازارهای مالی، وجود اطلاعات شفاف و کامل می‌باشد (فروغی و جونتقانی، ۱۳۹۱). بازار سرمایه یکی از بازارهایی است که اطلاعات شفاف بر عملکرد آن به شدت مؤثر است. به عبارتی، نقصان اطلاعات باعث افزایش هزینه مبادلات و ناتوانی بازار در تخصیص بهینه منابع می‌شود. اطلاعات هر چه شفاف تر و قابل دسترس تر باشد می‌تواند به اتخاذ تصمیم‌های صحیح تری در زمینه تخصیص بهینه منابع و رسیدن به کارایی تخصیصی که هدف نهایی بازار سرمایه است، منجر شود (تجویدی، ۱۳۸۷). از اینرو افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها نقش حیاتی را در کارایی بازار سرمایه ایفا می‌کند (پور حیدری و حسین پور، ۱۳۹۱).

افشا در حالت کلی به معنای انعکاس اطلاعات است. اما حسابداران از این واژه معنای محدودتری را در نظر می‌گیرند و آن را به معنای انعکاس اطلاعات مالی واحد تجاری در قالب گزارشهای مالی می‌دانند، که معمولاً به صورت سالیانه ارائه می‌شود (هندریکسن^۱، ۱۳۸۴). شرکت‌ها افشای اطلاعات را از طریق انتشار صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، گزارش هیأت مدیره، و نظایر آن انجام می‌دهند. علاوه بر این، برخی از شرکت‌ها علاوه بر افشای حداقل اطلاعات براساس استانداردهای مربوط و سایر قوانین و مقررات، به افشای اضافی اطلاعات به صورت اختیاری نیز می‌پردازند. افشای اختیاری یا افشای اخلاقی، افشایی است که شرکت‌ها علاوه بر الزامات افشای اجباری انجام می‌دهند (کیویو و همکاران^۲، ۲۰۱۲). در این راستا رهنمودهای اخلاقی برای کمک به پیشبرد کسب و کار، همسو نمودن آن با قوانین و دوری از تعاملات و اعمال متقلبانه ضروری است. پرسون^۳ (۲۰۱۳) نیز بطور صریح بیان می‌کنند که فعالیت‌های غیر اخلاقی اثر منفی روی شرکت دارد. آن بر تصویر و شهرت شرکت سایه می‌اندازد، بر سوددهی و ارزش بازار شرکت اثر می‌گذارد، هزینه‌هایی را به شرکت و سهامداران تحمیل، و در نهایت منجر به ایجاد بی‌اعتمادی در عموم می‌شود (عثمان و همکاران^۴، ۲۰۱۴).

نقطه شروع و در حقیقت پایه و اساس موضوع افشاء اطلاعات، به تئوری نمایندگی و مشکلات عدم تقارن اطلاعات مربوط می‌شود. نتایج پژوهش چیونگ و همکاران^۵ (۲۰۱۰)، امیما و همکاران^۶ (۲۰۰۹)، لانگ و لاندنهم^۷ (۲۰۰۰) و فخاری و محمدی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که افشای اطلاعات همواره از مهم‌ترین عوامل کاهش نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات می‌باشد. علاوه بر این، اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر شفافیت و افشای اطلاعات یکی از عوامل بسیار مهم در فرایند حاکمیت شرکتی مطلوب و بهینه می‌باشد. در واقع، روش‌های افشاسازی اطلاعات یک شرکت را می‌توان به عنوان مکانیسمی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفت و این امر سبب می‌شود تا عدم تقارن اطلاعاتی کمتر به وجود آید و هزینه نمایندگی کاهش یابد (فروغی و جونتقانی، ۱۳۹۱). دستیابی به این هدف مستلزم افشای مناسب و کامل اطلاعات مالی و سایر اطلاعات مربوط می‌باشد. بخش راهبری شرکت‌ها متولی ارائه این اطلاعات به بازار سرمایه می‌باشد (کاشانی پور و همکاران، ۱۳۸۸).

موضوع راهبری شرکتی ضعیف توجه زیادی از جمله محققان، قانون‌گذاران و سرمایه‌گذاران را

به خود جلب کرده است (آختارودین و همکاران، ۲۰۰۹؛ حسین آلكدای، ۲۰۱۲). رسوایی‌های اخیر شرکت‌های بزرگ یکی از عواقب راهبری شرکتی ضعیف و از بین رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران است. یکی از مکانیزم‌های راهبری شرکتی، کمیته حسابرسی است که نقش آن در راهبری شرکتی مربوط به افزایش نظارت می‌باشد (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳). این کمیته به بهبود افشای اجباری و اختیاری اطلاعات در شرکت‌ها کمک، و بطور موثر بر مدیریت نظارت می‌کند. فورکر (۱۹۹۲) استدلال می‌کند که کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم‌های نظارتی موثر برای بهبود کیفیت افشا سیستم کنترل داخلی است که به کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک می‌کند. از آنجا که اغلب شرکت‌ها وظیفه نظارت بر اخلاقیات در سازمان‌ها را به این کمیته نسبت داده اند (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴)، این پژوهش بر کمیته حسابرسی تمرکز دارد. ویژگی‌های کمیته حسابرسی از قبیل استقلال، اندازه، تعداد جلسات، تجربه، مدت تصدی سمت و تخصص مالی اعضای کمیته برای اثر بخشی کمیته حسابرسی اهمیت زیادی دارند. مطالعات پیشین اظهار داشتند که ویژگی‌های واقعی کمیته حسابرسی برای اثربخش بودن کمیته در انجام وظایفش حیاتی می‌باشد (ابوت و پارکر، ۲۰۰۰). بر این اساس، هدف این پژوهش این است تا بررسی نماید که آیا ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر روی افشای اختیاری شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد؟

۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

مطابق با تئوری ذینفعان، یک سازمان نه تنها به سهامداران بلکه به همان اندازه باید به سایر ذینفعان پاسخگو باشد. دو شاخه در تئوری ذینفعان به منظور چگونگی ادای مسئولیت پاسخگویی وجود دارد: (۱) شاخه اثباتی (مدیریتی) و (۲) شاخه اخلاقی. شاخه اثباتی تئوری ذینفعان در تلاش برای توضیح و پیش بینی نحوه ارتباط سازمان با تقاضاهای ذینفعان مختلف می‌باشد. از طرف دیگر، در شاخه اخلاقی تئوری ذینفعان، سازمان باید تمامی اطلاعات همه ذینفعان را در خصوص این‌که چگونه فعالیت هایش، آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد ارائه و افشا کند، هرچند ممکن است آنها از این اطلاعات استفاده نکنند یا این‌که قادر به تغییر در وضعیت سازمان به صورت مستقیم نباشند (ایزدی نیا و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین یکی از ابزارهای مهم برای سازمان‌ها در ایفای مسئولیت پاسخگویی، افشای اطلاعات مالی و غیر مالی می‌باشد. علاوه بر این، مدیران شرکت‌ها با افشای کامل اطلاعات می‌توانند عدم تقارن اطلاعاتی که یکی از عوامل اصلی تئوری نمایندگی است را کاهش دهند.

در سال‌های اخیر به دنبال رسوایی‌های مالی شرکت‌هایی از قبیل وردکام و انرون در ایالات متحده و بحرانهای مالی اروپا، کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری مالی و حرفه‌ی حسابرسی در مظان سوءظن و اتهام واقع شده است؛ و نقش کمیته‌ی حسابرسی در فرایند گزارشگری مالی، توجه تدوین کنندگان مقررات را به طور فزاینده‌ای به خود جلب کرده است (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). کمیته حسابرسی یکی از کمیته‌های هیات مدیره‌ی واحد اقتصادی و متشکل از ۳ تا ۵ و در برخی موارد ۷ نفر است که مسئولیت نهایی نظارت بر کلیه فعالیت‌های مالی شرکت را بر عهده دارد (علوی طبری

و عصابخش، ۱۳۸۹). اعضای کمیته حسابرسی باید ترکیبی از اعضای مستقل و غیرموظف باشد. انتخاب اعضای کمیته خارج از سازمان، استقلال اعضای کمیته را افزایش می‌دهد. به عبارتی دیگر، نبودن مدیران موظف در کمیته حسابرسی سبب می‌شود تا حسابرسان بتوانند مسائلی همچون نقاط ضعف کنترل‌های داخلی، اختلاف نظرها با مدیریت درباره اصول و روش‌های حسابداری، نشانه‌های احتمالی سوء استفاده‌های مدیریت یا سایر اعمال غیر قانونی مسئولان شرکت را صریح‌تر با کمیته حسابرسی مطرح کنند. تماس‌های کمیته حسابرسی با حسابرسان، اطلاعاتی به هنگام درباره وضعیت مالی واحد اقتصادی و نیز اطلاعات لازم برای ارزیابی کارایی و درست کاری مدیریت در اختیار هیات مدیره واحد اقتصادی قرار می‌دهد (ارباب سلیمانی و نفری، ۱۳۸۷).

با این حال، یکی از موضوعاتی که نهادها و مجامع ملی و بین‌المللی حرفه حسابرسی را همواره در معرض نگرانی قرار داده، مساله اثر بخشی کمیته‌های حسابرسی است. در این رابطه مهدوی و کریمی پور (۱۳۹۱) در پژوهش خود پانزده راهکار برای افزایش اثر بخشی کمیته حسابرسی پیشنهاد کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان استقلال، صلاحیت و تجربه اعضای کمیته را نام برد. آختارودین و همکاران (۲۰۰۹) رابطه بین نسبت اعضای مستقل کمیته حسابرسی به کل اعضای هیات مدیره و سطح افشای اختیاری را مورد بررسی قرار داده‌اند. هایک و هایک^{۱۳} (۲۰۱۲) نیز بررسی کردند که چطور ویژگی‌های کمیته حسابرسی (استقلال، مهارت مالی و ...) بر اطلاع رسانی اخلاقی در مورد گزارشگری مالی متقلبانه اثرگذار است. با این حال، با وجود این قبیل پژوهش‌ها همچنان این مساله نگران کننده وجود دارد که تحقیقات اندکی در مورد ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و افشا صورت گرفته است (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). بر همین اساس این پژوهش بر روی پنج ویژگی کمیته حسابرسی که عبارتند از: اندازه، استقلال، تخصص، مدت دوره تصدی و تجربه اعضای کمیته حسابرسی و ارتباط این ویژگی‌ها با افشای اختیاری اطلاعات توسط شرکت‌ها، تمرکز دارد.

۲-۱-۱- افشای اختیاری و استقلال کمیته حسابرسی

این ویژگی کمیته حسابرسی اغلب به عنوان یک ویژگی ضروری و تاثیر گذار بر اثربخشی کمیته حسابرسی در فرایند نظارت بر گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود، زیرا اعضای کمیته، مدیران خارجی یا مستقل از مدیریت هستند (یوسفی آذر، ۱۳۹۱). اعضای کمیته حسابرسی مستقل نامیده می‌شوند که ارتباط شخصی یا مالی با شرکت و مدیران اجرایی آن نداشته باشند (پرسون، ۲۰۰۵). هیات نظارت عمومی^{۱۴}، کمیته ریون بلو^{۱۵}، انجمن ملی مدیران شرکت‌های سهامی^{۱۶}، بیان می‌دارند که کیفیت بالای عملکرد کمیته حسابرسی زمانی حاصل می‌شود که اعضای آن مستقل باشند. پرسون (۲۰۰۹) تاکید می‌کند که استقلال کمیته حسابرسی در اندازه گیری میزان اثربخشی کمیته حسابرسی ضروری است. اگر چه، برونسون و همکاران^{۱۷}، (۲۰۰۶) بیان داشتند که استقلال کمیته حسابرسی ارتباط معناداری با اثر بخشی بیشتر کمیته حسابرسی ندارد در حالیکه بسیاری از محققین مانند پرسون (۲۰۰۵ و ۲۰۰۹) و عثمان و همکاران (۲۰۱۴) معتقد بودند که کمیته حسابرسی مستقل اثر مثبتی بر فرایند گزارشگری مالی می‌گذارد و وظایفش را با در نظر

گرفتن اخلاقیات انجام می‌دهد. بنابراین انتظار می‌رود بین افشای اختیاری شرکت با استقلال کمیته حسابرسی رابطه مثبتی وجود داشته باشد.

۳-۱-۲) افشای اختیاری و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی

منظور از تخصص مالی کمیته حسابرسی طبق تعریف سازمان بورس و اوراق بهادار تهران عبارت است از مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای ملی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی. مهارت‌ها و تجربیات حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار و مرتبط با اثر بخشی کمیته حسابرسی است (یوسف آذر، ۱۳۹۱). هیات نظارت عمومی بیان می‌دارد که اگر اعضای کمیته حسابرسی، تخصص در حسابداری، حسابرسی، کنترل داخلی و بخش‌های گزارشگری مالی داشته باشند در انجام کار خود موثرتر عمل می‌کنند (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). پرسون (۲۰۰۹) ذکر کرد که در کمیته حسابرسی با اعضای مستقل و دارای تخصص حسابداری و مالی، احتمال بیشتری وجود دارد که صورتهای مالی اشتباه و معاملات نادرست کشف شوند؛ زیرا آنها باید برای حفظ شهرتشان به منشور اخلاقی حرفه عمل کنند. بنابراین در این پژوهش فرض می‌شود که کمیته حسابرسی دارای تخصص هنگام نظارت بر شرکت باید اثربخشی بیشتری داشته باشد که این می‌تواند بر افشای اختیاری شرکت‌ها اثر مثبت بگذارد.

۳-۱-۲) افشای اختیاری و اندازه کمیته حسابرسی

اندازه‌ای بزرگتر از یک کمیته حسابرسی منجر به ایجاد بحث‌های غیر ضروری و تاخیر در تصمیم‌گیری و همچنین شکل‌گیری ارتباطات ضعیف‌تر می‌گردد (لین و همکاران^{۱۸}، ۲۰۰۸). با این حال، این تفکر هم وجود دارد که کمیته حسابرسی بزرگ‌تر می‌تواند با بکارگیری تخصص‌های گوناگون در انجام کنترل‌های جدی‌تر رویه‌های گزارشگری مالی تواناتر باشد (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعات قبلی همچون دالتون و همکاران^{۱۹} (۱۹۹۹) نشان دادند که بین اندازه کمیته حسابرسی و نظارت بر عملکرد هیات مدیره رابطه‌ای مثبت وجود دارد که منجر به عملکرد بهتر می‌شود. عثمان و همکاران (۲۰۱۴) بیان داشتند که اندازه بزرگتر از کمیته حسابرسی (کمیته حسابرسی با اعضای بیشتر)، اثربخشی بیشتری در نظارت بر شرکت داشته باشد؛ که این می‌تواند به افشای اختیاری اطلاعات منجر می‌شود.

۳-۱-۲) افشای اختیاری و مدت تصدی سمت اعضای کمیته

تصدی سمت طولانی اعضای کمیته حسابرسی منجر به عملکرد بهتر، نظارت بیشتر، بالا رفتن دانش و تجربه اعضای کمیته به منظور بکارگیری در عملیات شرکت می‌شود (سوپساموت و جیاکنیکیت، ۲۰۰۹). مدت خدمت اعضای کمیته حسابرسی باید ثابت باشد و یک دوره مناسب از

۲ تا ۵ سال را به منظور اطمینان از ثبات کاری اعضا در کمیته حسابرسی شامل شود (سازمان بورس اوراق بهادار تایلدن (۱۹۹۹) به نقل از عثمان و همکاران (۲۰۱۴)). یانگ و کریشنان^{۲۱} (۲۰۰۵) و لیو و سان^{۲۲} (۲۰۱۰) معتقدند که بین میانگین مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد. بنابراین مدت تصدی سمت اعضای کمیته باعث اثربخشی بیشتر در نظارت بر شرکت شود که در نهایت منجر به افشای اختیاری مناسبتر اطلاعات می‌گردد (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴).

۲-۱-۵- افشای اختیاری و تجربه اعضا در زمینه مالی و حسابداری

دیزورت^{۲۳} (۱۹۸۸) در پژوهش خود چندین مزیت برای اعضای باتجربه در کمیته حسابرسی بیان می‌کند که عبارتند: اول این‌که، اعضای دارای تجربه در کمیته حسابرسی به دلیل این‌که در گذشته آموزش دیده‌اند، عملکرد و بازخورد آنها مورد بررسی قرار گرفته و دارای دانش فنی کافی در زمینه تخصص خود می‌باشند. بنابراین این تجربه اعضا توانایی قضاوت آنها را افزایش می‌دهد. دوم این‌که، اعضای باتجربه از موارد مشکوکی که در هنگام بررسی‌های خود بدست می‌آورند، استفاده‌ی اثربخش تری می‌کنند. این در حالی است که اعضای با تجربه کمتر ممکن است به این موارد حتی پی نبرند. سوم، اعضای باتجربه کمیته حسابرسی با اتکا به تجربه خود، در شناسایی موارد خاص و قضاوت در مورد آن، به طور سیستماتیک عملکرد، درک و تفسیر بهتری خواهند داشت. چهارم، بین کمیته‌ای که اعضای آن از تجربه بیشتری برخوردارند ثبات و اجماع بیشتری وجود دارد، بدین معنی که در صورت وجود اطلاعات و فاکتورهای محیطی مشابه، قضاوت‌های یکسانی انجام می‌دهند (دیزورت، ۱۹۸۸). در نتیجه، شرکت‌هایی که اعضای کمیته آنها فاقد استقلال، تخصص و تجربه می‌باشند، عملکرد آنها در انجام وظیفه نظارتی‌شان اثربخشی کمتری دارد (شاب هوندال^{۲۴}، ۲۰۱۳). بنابراین انتظار می‌رود تجربه اعضای کمیته حسابرسی با افشای اختیاری شرکت‌ها رابطه‌ای مستقیم داشته باشد.

۲-۲- پیشینه تجربی پژوهش

ابرناسی و همکاران^{۲۵} (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و به موقع بودن گزارش‌های مالی شرکت‌ها پرداختند. نتایج آنها نشان داد که مهارت مالی اعضای کمیته حسابرسی ارتباط معناداری با اطلاعات حسابداری به موقع دارد.

عثمان و همکاران در سال ۲۰۱۴، تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای اختیاری شرکت‌ها را در بورس مالزی مورد بررسی قرار دادند. آنها نمونه‌ای متشکل از ۹۴ شرکت بورس مالزی را جهت انجام پژوهش خود انتخاب کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، بین مدت تصدی سمت و چندانگانه بودن سمت اعضای کمیته با افشای اختیاری رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ در حالی که بین استقلال، تخصص، اندازه و تعداد جلسات کمیته حسابرسی با افشای اختیاری رابطه‌ای مشاهده نشد.

هیان و همکاران^{۲۶} (۲۰۱۱)، در پژوهشی رابطه میزان افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی را

مورد بررسی قرار دادند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۰۳ شرکت که بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ مورد آزمون قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که با افزایش افشای اطلاعات بخصوص افشای اختیاری، عدم تقارن اطلاعات کاهش می‌یابد. دفوند و هان^{۳۷} (۲۰۰۵)، پس از انجام مطالعات متعدد در زمینه بازار سرمایه، به این نتیجه رسیدند که وجود کمیته حسابرسی با اعضای مستقل از هیات مدیره، متخصص و با تجربه در زمینه حسابداری و حسابرسی، تاثیر به سزایی بر اطلاعات منتشر شده در بازار دارد. طالب نیا و همکاران در سال ۱۳۸۹، تاثیر وجود کمیته حسابرسی را بر جلب نظر سرمایه‌گذار جهت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد بین وجود کمیته حسابرسی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

۳- فرضیات پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه تجربی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین گردیده است:

فرضیه ۱: بین استقلال کمیته حسابرسی و افشای اختیاری توسط شرکت‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی و افشای اختیاری توسط شرکت‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین اندازه کمیته حسابرسی و افشای اختیاری توسط شرکت‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی و افشای اختیاری توسط شرکت‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵: بین میزان تجربه اعضای کمیته حسابرسی و افشای اختیاری توسط شرکت‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر را می‌توان از نظر هدف به عنوان تحقیقات کاربردی و از نظر روش به عنوان تحقیقات تجربی تلقی نمود. محدوده مکانی پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران و محدوده زمانی آن سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ می‌باشد. دلیل انتخاب این محدوده زمانی برای این پژوهش عدم وجود الزام توسط بورس اوراق بهادار تهران مبنی بر تشکیل کمیته حسابرسی توسط شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۹۱ می‌باشد. به عبارت دیگر تعداد شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل کمیته داده‌اند، اندک می‌باشد. در این پژوهش، اطلاعات گردآوری شده مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام می‌باشد. داده‌های

مورد نیاز شرکت‌ها، از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، اطلاعیه‌ها و گزارش‌های مجمع عمومی شرکت‌ها، استخراج و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۵- جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این تحقیق در برگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران می‌باشد و برای انتخاب نمونه آماری، کلیه شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بوده‌اند، به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند:

- ✓ شرکت‌ها باید در گروه شرکت‌های واسطه‌گری مالی و بانک‌ها نباشند.
- ✓ سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.
- ✓ وقفه معاملاتی بیش از ۴ ماه نداشته باشند.
- ✓ تاریخ تشکیل کمیته حسابرسی قبل از انتشار صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ باشد.
- ✓ اطلاعات آنها در دسترس باشد.

بدین ترتیب، پس از اجرای فرآیند نمونه‌گیری و با در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق، در نهایت ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای نمونه انتخاب شدند. سپس جهت خلاصه نمودن اطلاعات از نرم افزار صفحه گسترده اکسل استفاده شده و در نهایت با استفاده از نرم افزار Eviews آزمون فرضیه‌ها صورت گرفته است.

۶- مدل پژوهش و تعریف عملیاتی متغیرها

در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها از مدل زیر استفاده شده است:

$$\beta_1 \text{AUDIND} + \beta_2 \text{AUDACC} + \beta_3 \text{AUDSIZE} + \beta_4 \text{AUDTEND} + \beta_5 \text{AUDEX} + \varepsilon + \text{VDI} = \beta_0$$

که در آن

VDI، شاخص افشای اختیاری؛ AUDIND، استقلال کمیته حسابرسی؛ AUDACC، تخصص اعضای کمیته حسابرسی؛ AUDSIZE، اندازه کمیته حسابرسی؛ AUDTEND، مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی و AUDEX، تجربه اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد.

۶-۱- متغیرهای پژوهش

۶-۱-۱- متغیر وابسته:

در این پژوهش برای محاسبه افشای اختیاری شرکت‌ها مطابق تحقیق پور حیدری و حسین پور (۱۳۹۱) از ۶۰ مولفه افشای اختیاری که در ۱۱ بخش طبقه بندی شده است استفاده می‌شود. برای محاسبه میزان افشای اختیاری در هر شرکت، ابتدا چک لیستی از موارد افشای اختیاری با توجه به تحقیقات قبلی، موارد افشای اختیاری در صورت‌های مالی و سایر گزارش‌های شرکت‌های داخلی و خارجی تهیه گردید. چک لیست نهایی متشکل از ۶۰ مورد افشای اختیاری بود. پس از آن با بررسی

صورت‌های مالی سالانه، یادداشت‌های توضیحی و گزارش‌های مجامع عمومی، به هر قلم از موارد موجود در چک لیست که توسط شرکت‌ها افشا شده بود، عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق گرفت و در نهایت شاخص افشای اختیاری با تقسیم جمع موارد افشا شده به کل مواردی که می‌بایستی افشا شود محاسبه گردید. به طور کلی، شاخص افشای اختیاری به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$VD = di / n$$

که در این معادله اگر، مورد افشا شده باشد، di معادل یک در نظر گرفته شده است و در غیر اینصورت صفر در نظر گرفته شده است. حداکثر موارد افشا نیز معادل ۶۰ می‌باشد (پور حیدری و حسین پور، ۱۳۹۱).

۶-۱-۲- متغیرهای مستقل:

استقلال کمیته حسابرسی (AUDIND): برابر است با درصد اعضای مستقل کمیته نسبت به کل اعضا (اندرو و همکاران، ۲۸، ۲۰۰۳)

تخصص اعضای کمیته حسابرسی (AUDACC): مطابق با تحقیق عثمان و همکاران (۲۰۱۴) و منشور سازمان بورس و اوراق بهادار تهران برابر است با درصدی از اعضای مستقل هیات مدیره که مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای ملی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) دارند. اندازه کمیته حسابرسی (AUDSIZE): برابر است با تعداد اعضای کمیته حسابرسی (اندرو و همکاران، ۲۰۰۳).

مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی (AUDTEND): برابر است با میانگین مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی (عثمان و همکاران ۲۰۱۴).

میزان تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی (AUDEX): برابر است با نسبت اعضای کمیته حسابرسی که در زمینه مالی تجربه دارند، نسبت به کل اعضای کمیته (همدان و همکاران، ۲۹، ۲۰۱۳).

□ ۷ تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و در جدول ۱ ارائه شده است. آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، ماکزیمم و مینیمم کلیه متغیرهای پژوهش است.

جدول ۱: آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق برای شرکت‌های نمونه

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
شاخص افشای اختیاری	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۷۰	۰/۱۸	۰/۱
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۷۲	۰/۶۶	۱	۰	۰/۱۶
تخصص اعضای کمیته حسابرسی	۰/۸۳	۱	۱	۰	۰/۲۶
اندازه کمیته حسابرسی	۳/۱۲	۳	۵	۳	۰/۴۶
مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی	۱۰/۵۴	۱۰	۲۹	۱	۶/۱۵
میزان تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی	۰/۷۳	۰/۶۶	۱	۰	۰/۲۶

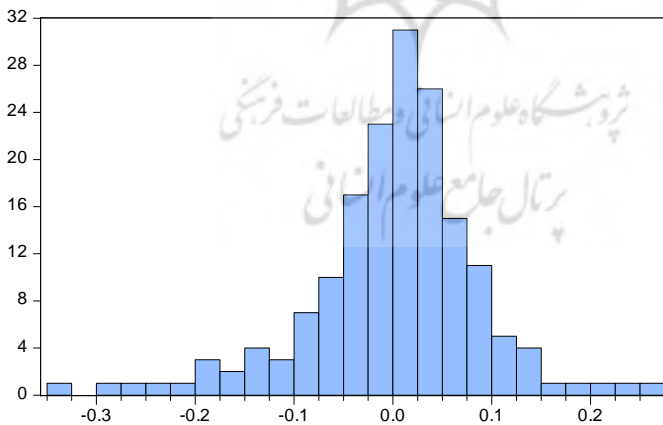
همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود شرکت‌ها به طور متوسط دارای ۵۱ درصد افشای اختیاری می‌باشند. گستره ی تغییرات افشای اختیاری بین ۱۸ درصد تا ۷۰ درصد می‌باشد. انحراف معیار داده‌ها پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد. انحراف معیار کم نشان دهنده پراکندگی کم داده‌ها از میانگین و انحراف معیار زیاد نشان دهنده پراکندگی زیاد داده‌ها از میانگین می‌باشد. متغیر افشای اختیاری با انحراف معیار ۰/۱ دارای کم ترین پراکندگی از میانگین و متغیر اندازه کمیته حسابرسی با انحراف معیار ۰/۴۶ دارای بیشترین پراکندگی از میانگین است. مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین (پور حیدری و حسین پور، ۱۳۹۱) نشان می‌دهد که امتیاز افشای اختیاری محاسبه شده در این تحقیق تقریباً مشابه تحقیقات قبلی می‌باشد. با توجه به این که داده‌های ما از نوع داده‌های مقطعی می‌باشد، فرض عدم وجود ناهمسانی واریانس را مورد بررسی قرار دادیم. جهت بررسی وجود ناهمسانی واریانس در مدل آزمون‌های مختلفی وجود دارد. این آزمون‌ها به دو گروه گرافیکی و غیر گرافیکی تقسیم می‌شوند. آزمون‌های گرافیکی بیان می‌کند که نباید بین جملات پسماند و مقادیر برآورد شده الگویی مشاهده شود. به عبارتی بهتر پرکنش باقی مانده‌ها حول محور صفر باشد. از آزمون‌های غیر گرافیکی می‌توان به آزمون وایت، برانش پاگان، نیو وی وست، گلد فنت کوانت، آزمون پارک و آزمون گلجسر استفاده کرد (صلاحی نژاد و سعادت، ۱۳۹۳). در این تحقیق برای آزمون واریانس ناهمسان از آزمون وایت استفاده شده است. با توجه به سطح اهمیت ۵٪، نتایج نشان می‌دهد مدل از مشکل ناهمسانی واریانس رنج می‌برد. که جهت رفع آن نیز از روش وایت استفاده گردید.

جدول ۲: نتایج آزمون وایت

خروجی آزمون وایت مربوط به مدل ۱			
F-statistic	2/04	Prob. F(114/27)	0/0039
Obs*R-squared	47/61	Prob. Chi-Square(27)	0/0085
Scaled explained SS	89/56	Prob. Chi-Square(27)	0/0000

یکی دیگر از فروض مهم در در الگوی رگرسیون خطی کلاسیک این است که متغیر وابسته یا جملات خطا، بطور نرمال توزیع شده باشند. با در نظر گرفتن این فرض، برآورد کننده‌ها نیز به طور نرمال توزیع میشوند. یک آزمون رایج در در بررسی این فرض آزمون برا-جارج است. در این آزمون با استفاده از کشیدگی و چولگی جملات پسماند، نرمال بودن یا نبودن توزیع جملات خطا را بررسی میکنیم. با توجه به نتایج آزمون برا-جارج (شکل شماره ۱) مشاهده میشود که در سطح اطمینان ۹۹٪ فرض نرمال بودن در مدل رگرسونی پذیرفته نشده است. اما چون اندازه نمونه به میزان کافی بزرگ (بیش از ۳۰ مشاهده) است و سایر فروض کلاسیک نیز برقرار میباشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. به عبارت دیگر، با توجه به قضیه حد مرکزی میتوان دریافت که حتی اگر باقیمانده‌ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون بطور مجانبی از توزیع‌های مناسب پیروی می‌کنند، بدون تورش هستند و از کارایی برخوردارند (افلاطونی، ۱۳۹۲).

شکل شماره ۱: نتایج آزمون برا-جارج



Series: Residuals	
Sample 2 172	
Observations 171	
Mean	-7.42e-15
Median	0.008806
Maximum	0.260286
Minimum	-0.332444
Std. Dev.	0.088021
Skewness	-0.690003
Kurtosis	5.090274
Jarque-Bera	44.69986
Probability	0.000000

همانطور که در جدول خروجی Eviews (جدول شماره ۲) زیر مشاهده می‌شود آماره F نشان دهنده معناداری کل رگرسیون برازش شده، در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. آماره دوربین و اتسون نیز نشان می‌دهد که بین متغیرهای مدل، خود همبستگی وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده در این مدل معادل ۰/۱۸ بوده که حاکی از آن است حدود ۱۸ درصد از

تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بیان می‌گردد.

جدول ۳: نتیجه تخمین مدل جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق

معنا داری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیرها
۰/۰۰۰۰	۶/۷۷	۰/۰۷۷	۰/۵۲۴	ضریب ثابت
۰/۶۸	-۰/۴۰۰	۰/۰۴۷	-۰/۰۱۸	استقلال کمیته حسابرسی
۰/۸۴	-۰/۱۹۷	۰/۰۳۰	-۰/۰۰۶	تخصص اعضای کمیته حسابرسی
۰/۹۸	-۰/۰۱۷	۰/۰۱۶	-۰/۰۰۰۲	اندازه کمیته حسابرسی
۰/۵۲	۰/۶۳۹۷	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۵	مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی
۰/۸۷	۰/۱۵۶۲	۰/۰۳۰۵	۰/۰۰۴۷	میزان تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی
۰/۰۰۰۰	۶/۵۵۷	۰/۰۶۹۸	۰/۴۵۷۷	AR(۱)
۱/۷۷	آماره دوربین واتسون		۰/۲۰۹۹	ضریب تعیین
۰/۰۰۰۰۰۱	F احتمال آماره		۰/۱۸۱۰	ضریب تعیین تعدیل شده

جدول فوق نشان می‌دهد که استقلال کمیته حسابرسی، تخصص اعضای کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی دارای ضرایب منفی می‌باشد؛ آماره سطح احتمال ۱، ۵ و ۱۰ درصد با افشای اختیاری شرکتها رابطه‌ای معناداری ندارد. علاوه بر این، نتایج جدول فوق بیانگر این است که ضرایب متغیرهای مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی و میزان تجربه اعضای کمیته حسابرسی مثبت است ولی هیچ یک از این متغیرها در سطح احتمال ۱، ۵ و ۱۰ درصد با افشای اختیاری رابطه‌ای ندارند. به عبارت دیگر نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و افشای اختیاری شرکتها رابطه‌ای معنادار وجود ندارد.

۸- نتیجه گیری و پیشنهادها

۸-۱- نتیجه گیری

یک نگرانی در کشورهای در حال توسعه با بازارهای نو ظهور، که در آن پایداری و توسعه بازار سرمایه به شدت تکیه بر کاهش شکاف اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران دارد، موضوع افشای شرکت‌ها می‌باشد. در این پژوهش اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (استقلال، تخصص مالی، اندازه، مدت تصدی سمت و تجربه اعضای کمیته) بر افشای اختیاری شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. یافته نشان می‌دهد که استقلال کمیته حسابرسی رابطه مثبت معناداری با افشای اختیاری ندارد. به عبارت دیگر حتی اگر کمیته حسابرسی استقلال داشته باشد نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که شرکت‌ها افشای اختیاری خواهند داشت. این یافته پژوهش مطابق با تحقیق برونسون و همکاران (۲۰۰۶) و عثمان و همکاران (۲۰۱۴) می‌باشد که نشان دادند استقلال کمیته حسابرسی ارتباط معناداری با اثر بخشی بیشتر کمیته حسابرسی ندارد. اما با نتایج پژوهش پرسون (۲۰۰۹) سازگار نمی‌باشد.

نتایج پژوهش نیز نشان می‌دهد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی رابطه مثبت معناداری با افشای اختیاری ندارد. به بیان دیگر، هنگامی که در کمیته حسابرسی متخصصان مالی عضویت دارند، باز هم نمی‌توان نسبت به این موضوع که شرکت به دلیل داشتن کمیته متخصص حسابداری وظایف اخلاقی را رعایت و افشای اختیاری نیز خواهد داشت، اطمینان حاصل نمود. این یافته پژوهش با پژوهش عثمان و همکاران (۲۰۱۴) همسو می‌باشد. حسین آکدای (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود بیان داشت که نقش تخصص حسابداری ارتباط معناداری با کاهش عمل مدیریت سود ندارد. اما این نتیجه پژوهش حاضر بر خلاف استدلال پرسون (۲۰۰۹) مبنی بر تاثیر این ویژگی بر اثربخشی کمیته می‌باشد. یکی از دلایل این تفاوت در نتیجه گیری، می‌تواند این باشد که تعداد قابل توجهی از شرکت‌های منتخب در نمونه پژوهش، با وجود این که چند سالی بیش از تشکیل کمیته حسابرسی آنها نمی‌گذرد، گاهی تا چند بار اعضای کمیته حسابرسی خود را تغییر داده‌اند. که این موضوع می‌تواند بعنوان یکی از عللی باشد که کمیته حسابرسی دارای اعضای متخصص نتواند اثر مورد انتظار را بر افشای شرکت‌ها بگذارد.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بین اندازه کمیته حسابرسی و افشای اختیاری رابطه مثبت معناداری وجود ندارد. این نتیجه پژوهش استدلال‌های لین و همکاران (۲۰۰۸) و سوپساموت و جیاکنیکت (۲۰۰۹)، مبنی بر این که اندازه‌های بزرگتر از کمیته حسابرسی تنها منجر به ایجاد بحث‌های غیر ضروری، تاخیر در تصمیم‌گیریها و منجر به ارتباطات ضعیفتر می‌شود را تایید می‌کند. اما بر خلاف تحقیق عثمان و همکاران (۲۰۱۴) که اظهار داشت بین مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی و افشای اختیاری اخلاقی شرکت‌ها رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد، یافته‌های این پژوهش وجود ارتباط مثبت معنادار، بین مدت تصدی سمت اعضا و همچنین تجربه اعضای کمیته حسابرسی با افشای اختیاری را نشان نداد. از آنجاییکه تشکیل کمیته حسابرسی در بورس و اوراق بهادار تهران نسبت به بسیاری از دیگر کشورها قدمتی بسیار کوتاه دارد و از عمر تشکیل آن

چند سالی بیش نمی‌گذرد، می‌توان این انتظار را هم داشت که تجربه اعضا و مدت تصدی سمت آنها نتواند اثربخشی مورد انتظار را داشته باشد.

۸-۲- پیشنهاد

سرمایه‌گذاران که در تصمیم‌گیری‌های خود، صرفاً وجود کمیته حسابرسی را به عنوان معیاری برای افشای مناسب اطلاعات مد نظر قرار ندهند. سیاستگذاران و استاندارد گذاران حسابداری، برای مدت خدمت اعضای کمیته حسابرسی یک دوره ثابت و مناسب (از ۲ تا ۵ سال) را به منظور اطمینان از ثبات کاری اعضا در کمیته حسابرسی و اثر بخشی بیشتر آنها تعیین نمایند. با توجه به این که دوره زمانی این پژوهش برای ۲ سال می‌باشد، در سال‌های آتی با در نظر گرفتن دوره زمانی بیشتر ممکن است نتایج پژوهش متفاوت باشد. با توجه به حذف شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه‌ها به علت ساختار متفاوت آنها، پیشنهاد می‌گردد که موضوع مورد مطالعه، در این گروه از شرکت‌ها بصورت خاص بررسی گردد.

یادداشتها

Hendrickson .1	Lang & .7 Lundholm	Hayek & Hayek .13	Dalton , .19 .et al	Abernathy, .25 .et al
.Qu , et al .2	.8 Akhtaruddin , .et al	Publish Oversight Board, .14 1994	.20 Thoopsamut & Jiakengkit	Haiyan .26
Person .3	Hussain .9 alkdai	blue ribbon commission, .15 1999	Yang & .21 Krishnan	Defond & .27 Hann
.Othman , et al .4	Abbott , .10 .et al	National Association of .16 Corporate Directors, 1999	Liu & Sun .22	Andrew , .28 .et al
.Cheung , et al .5	Forker .11	.Bronson , et al .17	Dezoort .23	Hamdan, .29 .et al
Omaima , .6 .et al	Abbott & .12 Parker	.Lin , et al .18	Hundal .24	Bera-Jarque .30

منابع

- ۱- ارباب سلیمانی، عباس و نفری، محمود. (۱۳۸۷). اصول حسابرسی، تهران، سازمان حسابرسی، ۱۳۸۷.
- ۲- ایزدی‌نیا، ناصر؛ ایمانی، کریم و امیدوار، محمدحسین. (۱۳۹۳). «چارچوب نظری جامع برای افشای داوطلبانه سرمایه‌گذاری»، دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۳۷. www.iranianaa.ir
- ۳- پور حیدری، امید؛ حسین‌پور، حمزه. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین افشای اجباری و اختیاری با ارزش سهام شرکت‌ها»، مجله چشم انداز مدیریت مالی، شماره ۵، صص ۲۸-۹.

- ۴- تجویدی، الناز. (۱۳۸۷). «شفافیت و کارایی بازار سرمایه»، مجله حسابدار، شماره ۱۹۶، صص ۳۴-۴۳.
- ۵- تختائی، نصرالله؛ تمیمی، محمد و موسوی، زهرا. (۱۳۹۰). «نقش کمیته حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی»، مجله حسابدار رسمی، شماره ۱۵، صص ۴۵-۵۶.
- ۶- صلاحی نژاد، مریم و سعادت، شهرزاد. (۱۳۹۲). «تاثیر اعتبار حسابرسی در جذب کمک‌های بلاعوض در موسسات غیر انتفاعی»، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره ۹، ۷۹-۸۹.
- ۷- طالب نیا، قدرت الله؛ وکیلی فرد، حمیدرضا و شهسواری، منصوره. (۱۳۸۹). «بررسی تاثیر وجود کمیته حسابرسی را بر جلب نظر سرمایه‌گذار جهت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره ۴، ۳۵-۴۹.
- ۸- علوی طبری، سیدحسین و عصابخش، راضیه. (۱۳۸۹). نقش کمیته حسابرسی و بررسی موانع ایجاد و بکارگیری آن در ایران، پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۲، شماره ۱، ۱۷۷-۱۵۵.
- ۹- فروغی، داریوش و آدینه جونقانی، احمد. (۱۳۹۱). «رابطه بین میزان افشای اطلاعات و ارزش شرکت»، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۴(۱۵)، ۱۱۷-۱۴۲.
- ۱۰- کاشانی پور، محمد و سید مهدی پارچینی پارچین. (۱۳۸۸). «رابطه بین افشای اطلاعات اختیاری و اعضای غیر موظف هیات مدیره»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۷، ۱۰۰-۸۵.
- ۱۱- مهدوی، غلامحسین و کریمی پور، عیسی. (۱۳۹۱). «پانزده راهکار پیشنهادی برای افزایش اثربخشی کمیته‌های حسابرسی»، نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال اول، شماره ۱، صص ۳۵.
- ۱۲- هندریکسن، ال دان اس. و ون بردا، میکل اف. (۱۳۸۴). «تئوری حسابداری»، ترجمه پارسائیان، علی، جلد دوم، صص ۲۲۵.
- ۱۳- یوسفی آذر، سیده الهام. (۱۳۹۱). «اثربخشی کمیته حسابرسی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی»، اولین همایش منطقه‌ای پژوهش‌ها و راهکارهای نوین در حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی رودکی، تنکابن.

14- Abbott, L. J. and Parker, S. (2000). »Audit committee characteristics and auditor selectio « Auditing: A Journal of Practice & Theory, vol 19 (Fall), 4766-.

15- Abbott, L. J., Parker, S., Peters, G. F. and Raghunandan, K. (2003). »The association between audit committee characteristics and audit fees «Auditing: A Journal of Practice and Theory, vol 22, 1732-.

16- Abernathy, J. L., Beyer, B., Masli, A. and stefaniak, C. (2014). »The association between characteristics of audit committee accounting experts, audit committee chairs, and financial reporting timeliness «Advances in Accounting, vol 30, 283297-.

- 17- Akhtaruddin, M. and Haron, H. (2010). »Board ownership, audit committees' effectiveness and corporate voluntary disclosures «Asian Review of Accounting, vol 18 (1), 6882-.
- 18- Akhtaruddin, M., Hossain, M. A., Hossain, M. and Yao, L., (2009). »Corporate governance and voluntary disclosure in corporate annual reports of Malaysian Listed Firms «Journal Application Management Accounting, vol 7 (1), 120-.
- 19- Andrew, j.f., srinivasan, K., steven, A.S., (2003). »Audit Committee Characteristics and the Perceived Quality of Financial Reporting: An Empirical Analysis« www.papers.ssrn.com/
- 20- Bronson, S. N., Carcello, J. V., and Raghunandan, K. (2006). »Firm Characteristics and Voluntary Management Reports on Internal Control« Auditing: A Journal of Practice & Theory, vol 25(2), 2539-.
- 21- Dalton, D.R., Daily, C.M., Johnson, J.L. and Ellstrand, A.E. (1999). »Number of directors and financial performance: A meta-analysis «Academy of Management Journal, vol 42, 67486-.
- 22- Defond, M. L., Hann, R. N. & Hu, X. (2005). »Does the market value financial expertise on audit committees of boards of directors? «Journal of Accounting Research, vol 43 (2), 153193-.
- 23- DeZoort, F. T. (1998). »An analysis of experience effects on audit committee members' oversight judgments. Accounting «Organizations and Society, vol 23(1), 121-.
- 24- Forker, J. J. (1992). »Corporate governance and disclosure quality «Accounting and Business Research, vol 22, 111124-.
- 25- Haiyan J., Ahsan H., Baiding H., (2011). »Ownership Concentration, Voluntary Disclosures and Information Asymmetry in New Zealand «Journal The British Accounting Review, vol 43, 39-53.
- 26- Hamdan, A. M. M., Mushtaha, S. M. S. & Al-stratawi, A. A. M. (2013). »The Audit Committee Characteristics and Earnings Quality: Evidence from Jordan «Australasian Accounting, Business and Finance Journal, vol 7(4), 5180-.
- 27- Hayek, C. and Hayek, M. (2012). Audit Committee characteristics and moral awareness of financial fraudulent reporting: The moderating role of dispositional integrity. Forum presentation at the American Accounting Association Annual Meeting in Washington, DC.
- 28- Hundal, S. (2013). »Independence, Expertise and Experience of Audit Committees: Some Aspects of Indian Corporate Sector «American International Journal of Social Science, Vol 2, No.5.
- 29- Hussain Alkdai, H. K. (2012). »Audit committee characteristics and earnings management Malaysian Shariah-compliant companies «Business and Management Review, vol 2(2), 5261-.
- 30- Lin, Z. J., Xiao, J. Z. and Tang, Q. (2008). »The roles, responsibilities and characteristics of audit committee in China «Accounting, Auditing & Accountability

Journal, vol21(5), 721751-.

- 31- Liu, G. and Sun, J. (2010). »Director tenure and independent audit committee effectiveness « International research journal of finance and economics, vol 51, 176- 189.
- 32- Persons, O. S. (2005). »Relation between the new corporate governance rules and the likelihood of financial statement fraud «Review of Accounting and Finance, vol 4 (2), 125148-.
- 33- Persons, O. S. (2009). »Audit committee characteristics and earlier voluntary ethics disclosure among fraud and no-fraud firms «International Journal of Disclosure and Governance, vol 6 (4), 284297-.
- 34- Persons, O. S. (2013). Characteristics and financial performance of no ethics-code firms. Journal of academic and business ethics, vol7, 114-.
- 35- Qu, W., Cooper, J. Wise, V. and Leung, P. (2012). »Voluntary disclosure in a changing regulatory environment – evidence from Chinese stock market «International Journal of Economics and Finance, vol 4 (4), 3043-.
- 36- Thoopsamut, W. and Jiakengkit, A. (2009). »Audit committee characteristics, audit firm size and quarterly earnings management in Thailand «, Oxford Journal, vol8 (1), 312-.
- 37- Yang and Krishnan (2005). »Audit committees and quarterly earnings management « International Journal of Auditing, vol 9(3): 201219-.